

5 مارچ، 2009

نوشته: احمد رشید

گزارشگر از انگلیسی به پارسی: صدیق رهپو طرزی

## لغزش بر سرشیبی هَرَج و مَرَج و آشوب و فتنه

«ارشد»، یک روزنامه نگار خبره «پاکستان» در امور «آسیای مرکزی»، «جهاد»، «جنبش های گزافه گر»، «طالبان» و «القاعده» می باشد.

او همچنان در مورد سیاست بحران آفرین ا.م. امریکا در منطقه، نویسنده وارد است.

از او تا حال سه کتاب پرفروش به دست نشر سپرده شده اند.

کتاب «طالبان» اش، با پذیرایی گرمی در جهان رو به رو شد. او با استفاده از بخشی از درآمدش «نهاد رسانه های گروهی آزاد در افغانستان» را در سال (2002ع) را بنیاد گذارد.

این بنیاد، از آن زمان تا کنون برای نشر نشریه های مستقل به زبان های پارسی، پشتو، ازبکی و دیگر و دیگر دست یاری داده است.

تازه ترین اثرش به نام «بر سرشیب آشوب و هرج و مرج: چگونه نبرد علیه بنیاد گرایی اسلامی در پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی از دست می رود» می باشد.

در جریان آتش بس های گونه گونه بی که چون موج های یک دریای نا آرام میان حکومت و اردوی «پاکستان» از یک سو و «طالبان پاکستانی» از جانب دیگر، در شمال این کشور به راه انداخته شده اند، تازه ترین آن را می توان لغزش تند و سریع در سرشیب آشوب و هرج و مرج و از دست رفتن لگام قدرت از سوی اداره کشور در ساحه گسترده بی به حساب آورد.

این آتش بس، تلاش رزم آریانه و استراتجی «طالبان» هر دو سوی مرز یعنی «افغانستان» و «پاکستان» در راستای تمرکز نیرو برای تهاجم بهاری در برابر ورود هفده هزار سرباز امریکایی در جنوب که در آن جا هم اکنون سه هزار سرباز کانادایی، درگیر نبرد اند، صورت می گیرد. این دگرگونی های تند و سریع در زمانی جریان می یابد که «ناتو» و ا.م. امریکا، دست به نبردی برای یافتن دیدگاه های رزم آریانه و استراتجی مشترک در برخورد با «افغانستان» و «پاکستان»، پیش از برپایی جلسه «ناتو» به تاریخ دوم ماه اپریل، می زنند.

ملا «محمد عمر»، رهبر «طالبان» در «افغانستان»، نامه بی را برای قوماندانان طالبان در «پاکستان» ارسال نموده و از آنان خواسته است که به صورت فوری یورش بر اردوی «پاکستان» را متوقف سازند. گزارشی حاکی از آن هست که او در این نامه نوشته است، "اگر کسی به راستی خواستار جهاد است، بایست به نبرد علیه نیروهای اشغالگر در داخل «افغانستان»، دست بزند. این امر روشن است که حمله و یورش بر اردوی «پاکستان» به وسیله نیروهای جهادی در سرزمین های قبیله بی و هر جای دیگر در این کشور، بر نبرد علیه ا.م. امریکا و «ناتو»، صدمه وارد می نماید".

ملا «عمر» که می گویند در شهر «کوئته» در ایالت «بلوچستان» زنده گی می نماید، این مساله را با ارسال نماینده گانی در منطقه «اداره فدرالی قبیله بی» - سرزمین قبیله بی که «افغانستان» و «پاکستان» را با هم پیوند می زند - که رهبران «طالبان» مربوط به «پاکستان» در آن جا پایگاه هایی دارند، دنبال نموده است. این اقدام او، در خط تلاش مشترک رهبران «القاعده» و «طالبان» افغانی مانند جلالدین «حقانی»، برای آن است تا میان «طالبان» مربوط به «پاکستان» اتحاد به میان بیاورد.

این تلاش ها به صورت شگفت آوری به نتیجه رسیده اند. ما شاهد شکل گیری اتحاد میان قوماندانان «طالبان» پاکستانی که زمانی به شدت در جریان نبرد علیه اردوی «پاکستان» در «ا.ف.ق.» که از سال (1994)، به این سو جریان داشته است، در برابر هم قرار داشتند، می باشیم. سه جنگ سالار مهم در این جا به نام های «بیت الله مسعود»، مولوی «نذیر» و حافظ «گل» اتحاد تازه بی را به نام «شورای اتحاد المجاهدین»، به راه انداخته اند. آنان آتش بسی را با اردوی «پاکستان» در «باجور» جایی که این اردو از ماه اگست سال پار دست به یورش برده بود، اعلام داشته اند.

حکومت و اردو، همین اکنون اداره بخش شرقی تر دره «سوات» و ایالت «مَلکنَد»، را که در دوصد ک.م. «اسلام آباد» قرار دارد، به دست شاخه دیگر «طالبان» پاکستانی سپرده است. مولانا «صوفی محمد»، ملای بنیادگرا که پس از شش سال به سر بردن در زندان، به جرم رهبری ده هزار پشتون در تلاش نا فرجامی برای مخالفت با ورود نیروهای امریکایی به «افغانستان»، در سال (2001)، پارسال آزاد گردید، اکنون هوادار صلح در دره پُر اهمیت «سوات» می باشد. او تلاش دارد تا مولانا «فضل الله» دامادش را که گروه جنگجویان سواتی را رهبری می نماید و رابطه نزدیک با

«القاعده» و «طالبان» افغانی دارد، متقاعد بسازد تا پیشنهاد حکومت را برای آتش بس بپذیرد و «نظام عدل» یا همان شریعت اسلامی را در «سوات» جاری بسازد.

در حالی که حکومت به این امر تاکید می نماید که نظام قضایی دستخوش دگر گونی اندکی خواهد شد و محکمه های محلی توجه کمی به شریعت اسلامی خواهند نمود، اما، «طالبان» از آن بر داشت روشن کار برد شریعت به تمام معنایش در همه ساحه های زنده گی مانند: معارف، اداره و برقراری نظم و قانون در تمام منطقه، دارند.

مردان جنگجو وابسته به «فضل الله»، با یاری «ازبکان»، «چیچینیان» و «عربان»، در دو سال گذشته، به نبرد خونینی با اردو دست زده و آن را از منطقه رانده و اداره تمام «سوات» را در سال پار به دست گرفتند. در جریان این جنگ، بیش از هزار نفر جان خویش را از دست دادند و بیش از سه صد و پنجا هزار نفر از میان یک و نیم میلیون نفر نفوس، خانه و کاشانه خویش را ترک گفتند. این مولوی «فضل الله»، بیش از دوصد مکتب دختران را به آتش کشید، آموزگاران و پولیسان را به دار زد و محکمه های شرعی را با قاضیان بی سواد، به وجود آورد. او هم اکنون دستگاه فرمانروایی موازی با حکومت دارد. حکومت «زرداری»، این بیوه «بینظیر بوتو»، و «حزب ملی عوامی» که ساختار سیاسی با نگرش دنیایی و سکولر دارد، و در «ایالت شمال شرقی» - به باور خود شان «پشتونخواه» - فرمانروایی می نماید، هر دو در برابر تقاضای «طالبان»، سر تسلیم فرود آوردند.

### ضربه شدید روانی

اکنون این سازش و معامله، توفان و انفجاری را در «پاکستان» راه انداخته است. سیاست مداران و شهروندان مذهبی، از این تسلیم طلبی که به باور شان آرامش را در «سوات» بار می آورد، ابراز خوشی می نمایند. اما، آزاد اندیشان آن را نقطه چرخش و عطف در راستای باخت نبرد در برابر گزافه گران اسلامی، به حساب می آورند. جای شگفتی است که حتا «صوفی محمد»، که با مقایسه دامادش آدم میانه رو به حساب می رود، اعلام داشته است که شریعت را در سراسر «پاکستان»، جاری خواهد ساخت. هموست که دموکراسی را «شیطان» و نماد «غرب» نامیده است. این ضربه روانی بر افکار و اخلاق عامه، به شدت ویرانگر است.

رهبران «القاعده» و «طالبان»، حالا فرصت آن را به دست می آورند تا در «سوات»، به دور از منطقه قبایلی، پناه گاه های جدیدی را به وجود بیاورند. زیرا آنان در منطقه های قبایلی، در این آخر ها زیر ضربه های خرد کننده، مرگبار و به شدت موفق طیاره های بدون پیلوت امریکایی که از راه دور کنترل می گردند، (برخی رسانه ها از زبان بنیاد گرایان یاد آور شده اند که آنان این طیاره ها را «پرنده گان مرگ»، نام گذارده اند. ط) قرار گرفته اند. از «پشاور» خبر می رسد که همین اکنون رهبران گزافه گر و افراطی، به سوی پناه گاه شان در «سوات»، جایی که بال طیاره های بدون پیلوت به آن جا، تا هنوز، نرسیده است، راهی هستند.

تسلیمی در «سوات» اثر های منفی دراز مدتی به همراه دارد. با آن که رژیم نظامی «مشرف»، چندین آتش بس نا پایدار را با «طالبان» پاکستانی که آنان را اجازه داد تا بر نیروی شان بیفزایند و ساحه نفوذ خویش را گسترش بدهند، امضا نمود، اما، ارتش هیچگاه حاضر نشد تا تن به دگر گونی هایی در سیستم سیاسی و یا قضایی، بدهد. حتا در «افغانستان» جایی که «طالبان» بر چند تا ولایت مسلط اند، حکومت «کابل» هرگز حاضر نشده است تا از فرمانروایی بر آن جای ها صرف نظر نماید. این حکومت، بار ها و بار ها اعلام داشته است که بر این جای ها دست تصرف خواهد یافت.

«زرداری»، هنوز بر پای این موفقیت نامه امضا نگذاشته است. ممکن این هم به سرنوشت دیگر موافقت نامه های کوتاه عمر ببینند. با آن هم، این اولین باری است که حکومت ساحه گسترده بی از شمال کشور را به افراطیان و گزافه گران می سپارد. این نیروهای گزافه گر اسلامی در آن جا با قانون جداگانه بی فرمان خواهند راند و شرط های خویش را بر حکومت تحمیل خواهند نمود. چنین به نظر می آید که «طالبان» به تصرف «سوات» بسنده نمایند. «طالبان» از «منطقه قبایل» ساحه نفوذ شان راه به «ایالت سرحد شمال غربی» گسترش داده و به صورت واقعی «پشاور»، مرکز این جا را به محاصره کشیده اند. حالا «طالبان» سواتی به ساحه های پُرنفوس شمال «اسلام آباد» دسترسی خواهند یافت.

«حزب عوامی ملی»، اولین گروهی بود که به دادن امتیاز هایی به «طالبان» اصرار ورزید. این حزب، به وسیله بمگذاران انتحاری به محاصره کشیده شده بود. آنان تهدید نمودند که وزیران و اعضای پارلمان این حزب را به گلوله خواهند بست. این حزب که به شدت زیر بار سنگین اختلاف ها خُرد شده است، به وضع فلج باری قرار دارد. این حزب که در سرشویی ناتوانی قرار گرفته است، اثر های ناگواری از خویش بر جای خواهد گذارد. سال پار، پشتون های دارای اندیشه های دنیایی، سکولر و آزادی خواه، با اکثریت قابل توجه در انتخابات، به این حزب رای دادند. این امر، سبب شد که حکومت بنیاد گرایان که با یاری «مشرف» بر اریکه قدرت تکیه زده بود، شکست بخورد.

در «کابل» و «اسلام آباد» همه و همه دل به این بسته بودند که حزب محبوب «عوامی ملی»، که یک حزب متعلق به پشتونان است، به تر از همه نیروها می تواند در برابر خیزش موج «طالبان» سد سکندر بسازد. حالا چنین به نظر می

آيد که شيشه اين اميد به سنگ ياس خورده است. همچنان «حزب مردم پاکستان» که یک حزب هوا دار دموکراسی و دنیا نگری است، و «زرداری» بارها و بارها تعهد سپرده که در برابر گزافه گرایی و افراطگرایی مقاومت می نماید، در مساله «سوات» نشان داد که به همه وعده ها و باور ها پشت پای گذارده است.

اردو روحیه ناتوان دارد و به شدت تبت و پراکنده گردیده است. این ساختار همچنان در تب بیماری «هند» ستیزی، این دشمن سنتی اش، می سوزد. به همین سبب حاضر نشد تا به پیشنهاد ا.م. امریکا، برای آموزش سربازانش در خط نبرد با نیروهای شورشی، پاسخ مثبت بگوید. هنوز باور به این امر وجود دارد که «هند» تهدید بزرگ تری شمرده می شود. اردو تا آن گاهی که حمایت کامل حکومت فدرالی و ایالتی را نداشته باشد، به تصرف دوباره «سوات» دست نخواهد زد. از سوی دیگر، اردو پس از یورش دهشت افکنانه در «بمبی»، بخش زیاد نیرو و های خویش را به مرز های «هند» بسیج نموده است.

ضعف اراده «پاکستان»، در خط عدم مقابله با گزافه گرایی، بر ناتوانی اقتصادی کشور که هم اکنون با بیماری شدید افزایش بیکاری، تورم پولی و فرار سرمایه دست و پنجه نرم می کند، روز به روز می افزاید. اداره «اوباما»، وعده داد تا مدت پنج سال، هر سال مبلغ یک و نیم بیلیون دلار یاری برساند، تا آن را در برنامه های اجتماعی خرچ نماید. اما، یک نکته را باید یاد آور شد که ماه های زیادی را در بر می گیرد تا کانگرس به تخصیص چنین پولی اجازه بدهد. از سوی دیگر، این امر، با شرط هایی – از آن میان مقابله با بنیاد گرایی – همراه خواهد گردید. هنوز روشن نیست که «پاکستان» نمی خواهد و یا نمی تواند که این شرط را برآورده نماید.

### یورش بهاری

آتش بس در «پاکستان»، نیروی توانمندی را برای «طالبان» در راستای یورش بهاری شان در «افغانستان» می بخشد. این درست در زمانی صورت می گیرد که اداره «اوباما» در تلاش این امر است تا خط های یک هدف رزم آرایانه و استراتژی جدیدی را در مورد «افغانستان»، «پاکستان» و همچنان منطقه، سر و سامان داده و روشن بسازد. رهبران «طالبان» که پایگاه نیرومندی را در «کویته» به اختیار دارند، و این جا هنوز دست نخورده باقی مانده است، توانایی آن را دارند تا منبع های مالی، جنگ افزار و سربازگیری را برای هزاران «طالبی» که در «افغانستان» علیه نیرو های غربی می جنگند، تدارک و بسیج نمایند. از سوی دیگر، ا.م. امریکا و «ناتو» وظیفه دارند تا محیط امنی را برای انتخابات ریاست جمهوری کشور که قرار هست در ماه اگست صورت بگیرد، فراهم سازند. این کار در حالی جریان می یابد که «کابل» دچار بحران قانون اساسی گردیده است. مدت کار «کرزی» در ماه می پایان می یابد، اما، او حاضر نیست تا از مقامش دست بکشد.

بحران در «پاکستان» گزینش های کمی را در اختیار ا. م. امریکا و همپیمانانش، قرار می دهد. برای این که تن بیمار حکومت و اردو بار دیگر شفا بیابد، به زرق نیروی زیادی از یک سو و زمان و فرصت از سوی دیگر، نیاز است. برای این که حکومت بار دیگر اراده اش را بر سراسر ساختار درهم شکسته عملی نماید و اقتصاد را رونق بخشد، به کوهی از یاری نیاز دارد. هنوز هم روشن نیست که دولت «پاکستان» می خواهد و یا می تواند بر اسپ لگام گسیخته «طالبان» مهار بزند و یا به نیروهای «ناتو» یاری برساند تا جلو سیل آسای هجوم «طالبان» را به جنوب «افغانستان» که در آن جا سربازان تازه دم ا. م. امریکا به زودی می رسند، بگیرد. به آن چی می توان اطمینان نمود این است که منطقه با سرعت باور نکردنی به سوی سرشیبی آشوب و هرج و مرج روان است.

\*\*\*

شهر گت تینگن، جرمنی  
پانزده حوت (1387 ه.خ.)  
پنج مارچ (2009 ع.)